

دخترم هنوز شیر خوار است. اوایل وقتی ماسک می‌زدم، از من می‌ترسید، حتی به من نزدیک نمی‌شد. مقداری پارچه رنگی و عروسکی خریدم و با آن‌ها ماسک دوختم تا دیگر نترسد. وقتی به او شیر می‌دهم، روی ماسک عروسک می‌چسبانم تا با آن بازی کند. با وجود این مراقبت‌ها، باز هم دائم نگران هستم؛ چون در قلب کرونا کار می‌کنم، فقط از خدا می‌خواهم بچهام از سالم نگه دارم؛ چون دوست ندارم محل کارم را ترک کنم.

فرشته روح‌افزا که ۱۷ سال است به‌عنوان پرستار بخش آی‌سی‌یو پشتیبان بیمارستان امام‌ضلع) مشغول به فعالیت است، می‌گوید: از زمان کرونا، آمار بیماران و تعداد فوتی‌ها خستگی کار را به تن دکترها و پرستاران باقی گذاشته است. قبل از عید فکر می‌کردیم در نوروز مردم در خانه می‌مانند و اوضاع بهتر می‌شود اما این طوری نشد.

با وجود اینکه دانشگاه علوم پزشکی مشهد به او اعلام کرده بود می‌تواند در مراکز که بیمار کرونا پذیرش نمی‌کنند کار کند، او این پیشنهاد را قبول نکرد و در بیمارستان امام‌ضلع) ماند. فرشته، تمام ۱۵ روز عید امسال را در شیفت بیمارستان بود؛ البته با ساعتی کمتر به دلیل اینکه فرزند شیرخواره دارد، اما به قول خودش، پوشیدن لباس‌های مخصوص، عینک و دو ماسک جراحی و فیلتردار که روی هم سوار می‌شود، آن قدر سخت است که وقتی به خانه می‌رسد، دیگر حتی نسای راه رفتن هم ندارد، چه برسد به انجام کارهای روزمره خانه.

● پیش از ۲ ماه دوری از پدر و مادر

او ادامه می‌دهد: خستگی و دلنگی‌های این ایام برای خانواده بسیار زیاد بود. قبلاً برای نگهداری از فرزندم، از پدر و مادر کمک می‌گرفتم، اما بعد از شیوع این ویروس، به‌دلیل اینکه سن آن‌ها بالاست، دیگر با آن‌ها ارتباطی نداریم. ۶ روز است که پدر و مادرم را ندیده‌ام

جان بر کف در مقابل کرونا

روایت سختی‌های بیش از ۲ ماه پرستاری در بخش بیماران کرونا



و فقط با آن‌ها تماس تصویری گرفته‌ام.

از زمان شیوع ویروس در کشور، فرشته با ترس و لرز دختر یک‌ساله‌اش را بغل کرده است اما قبل از به آغوش کشیدن فرزندش، ۳۰ دقیقه خود را به‌طور کامل ضدعفونی می‌کند. او حتی امسال به‌دلیل حضور در بیمارستان، لحظه تحویل سال در کنار خانواده‌اش نبود. فرشته می‌گوید: تاکنون ۱۲ نفر از همکاران کادر درمانی در بخش آی‌سی‌یو پشتیبان، درگیر این ویروس شده‌اند و سرپرستار بخش نیز چند روز پیش به کرونا مبتلا شد، بنابراین نگرانی ما هم بیشتر شده است.

● ۷ ساعت بدون آب و غذا

فرشته می‌گوید: همکارانی هستند که ریسک

هستند و از آنجا که امکان ملاقات با آن‌ها وجود ندارد، پرستاران، حکم خانواده بیماران را دارند و باید به آن‌ها دلداری بدهند. فرافز اضافه می‌کند: متأسفانه بیماران با استرس زیادی به بخش مراجعه می‌کنند و باید سعی کنیم به آن‌ها روحیه بدهیم. مرد بیست‌ونه‌ساله‌ای مدتی پیش به بیمارستان مراجعه کرد که سابقه فشار خون داشت و نمی‌توانست به‌خوبی تنفس کند، اما ترس و استرسی که داشت، موجب شد تنفس او بدتر شود، بنابراین مجبور شدیم دستگاه تهویه مصنوعی به او وصل کنیم و هنوز هم در همین شرایط است.

● رنج‌های حضور در بخش کرونا

فرشته ادامه می‌دهد: اما در مقابل دو بیمار مرد بیست‌وهشت و سی‌ودو ساله نیز داشتیم که حدود یک ماه در بیمارستان بستری بودند و به‌خوبی همراهی کردند و با هوشیاری کامل از بخش خارج شدند.

روح‌افزا می‌گوید: روزهای اول خیلی سخت بود و تجهیزات زیادی نداشتیم، حتی یکی از همکاران ما، در روزهای اول به‌دلیل نبود تجهیزات کار درگیر این بیماری شد، اما خیلی طول نکشید که تجهیزات را به ما رساندند. لباس‌های یک‌بار مصرف داشتیم و آن‌ها را در انتهای شیفت دور می‌انداختیم اما اکنون لباس‌های ما یک‌بار مصرف نیست و روزانه استریل می‌شود. در این مورد کمی نگرانی داریم. از بابت ماسک‌هایی که در اختیار داریم، نیز مطمئن نیستیم؛ چون نمونه‌های اندکی پیش آمده که فیلتر ماسک از جای خود درآمده است. زمانی که کیفیت ماسک خوب نباشد، سلامت ما در خطر است. درخواست می‌کنیم ماسک باکیفیت در اختیار ما بگذارند؛ چون اگر بیمار شویم، یک ماه از کار می‌افتیم. همچنین اتاق استراحت بخش، کوچک است و ۶۰ نفر از کادر درمان در آن، لباس عوض می‌کنند.

می‌کنند، به‌سختی لباس را درمی‌آورند و آب و مایعات گرم می‌خورند؛ به این خاطر که زیر ماسک دچار خشکی مجاری تنفسی می‌شویم. اما من به‌خاطر بچهام بیشتر مراعات می‌کنم و از ساعت ۷ که در بیمارستان هستم تا حدود ساعت ۱۴ که به خانه می‌روم، آب و غذای خورم.

● به گفته فرشته، لباس‌های این روزهای کادر درمان

مانند این است که یک لایه پلاستیک دورشان پیچیده

باشند؛ همه خیس عرق می‌شوند. او می‌گوید: وقتی

ماسک را برمی‌دارم و به خیابان می‌آیم، خجالت

می‌کشم، انگار تمام صورتم رد چاقو دارد.

● بدحال‌ترین بیماران در بخش آی‌سی‌یو بستری

کولبر فرهنگی

روایتی از نیم‌روز همراهی با یک فعال فرهنگی در مشهد که بار کتاب به دوش می‌کشد

«کوله بر» برای هیچ کدام مان واژه خوشایندی نیست و با شنیدنش بند دلمان پاره می‌شود. برای خیلی از آن‌ها

نان در آوردن یعنی به کف گرفتن جان؛ یعنی باید از سرما و گرما و مسیری‌های صعب‌العبور بگذرد تا برای به‌دوش کشیدن باری سنگین، مزدی اندک بگیرد. قصه مرگ

محزون کوله‌بران در سرمای سال گذشته و امسال را هم تقریباً همه شنیده‌ایم. با این اوصاف، شاید عجیب باشد که بگویم کولبر هم می‌تواند شغلی شیرین و دلنشین باشد؛ قصه کولبری سیداحمد از همان قصه هاست؛ کولبری بدون مزد و مواجب که باری ۵۰ کیلویی را به دوش می‌کشد و تلاش می‌کند سهمی برای زیباتر شدن دنیا داشته باشد. سیداحمد از مرز سی‌سالگی عبور کرده است و حالا چندماه می‌شود که کوله‌بر فرهنگی است. کارآموز کولبران را انتخاب کردید؟

کوله‌پشتی است که تا خرخره پر از کتاب است؛ از «ملت عشق» گرفته تا «حکایت دولت و فرزانی»، «دخترم ناهید...» کوله‌پشتی‌ها را روی شانه راست و چپ می‌اندازد و دوره می‌گردد بیسن مغازه‌دارها که رایگان از او کتاب بگیرند و بخوانند. سید، دانشگاه را در رشته حسابداری تمام کرده و مدتی هم در این حوزه کار کرده است. مدتی هم شغل آزاد داشت و مغازه لوازم‌تحریر راه‌انداخته بود. اما همیشه کار در کتابخانه یکی از آرزوهای او بوده و دلپستی خاصی به محیط کتابخانه داشته است. جزو اولین کسانی بود که برای کار با کوله‌پشتی‌ها به مشهد گزاش؛ یعنی زمانی که هنوز بساط بنایابی کتابخانه جمع نشده بود.

● کتابخانه‌ای که شبیه کتابخانه نبود!

سیداحمد حسینی می‌گوید: زمانی که در کتابخانه مرکزی سیداحمد به عنوان کارمند شرکتی مشغول به کار شدم، شبیه کتابخانه نبود و کار داشت تا به وضعیت فعلی‌اش برسد، اما علاقه به کتاب خوانی بیشتر از این‌ها بود. پیش از اینکه بخوام به فکر ماندن‌دادن کتاب به مغازه‌دارها بیفتم، چندسالی بود که همراه فامیل

و همسایه‌هایمان، کتاب ردوبدل می‌کردیم. احمد ادامه می‌دهد: قبل از اینکه در کتابخانه مشغول به کار شوم، فکر می‌کردم مردم زیاد کتاب نمی‌خوانند، اما زمانی که در کتابخانه مشغول به کار شدم، متوجه شدم استقبال خیلی زیاد است. ساعت ۸، شروع به کار کتابخانه است و ساعت ۸:۳۰ ظرفیت سالن‌ها تکمیل می‌شود. صبح‌ها جلو کتابخانه صف می‌کشند.

● مغازه‌دارها در اولویت

اوایل که احمد کوله‌ها را بر دوش می‌انداخت و میان بازاری‌ها رفت‌وآمد می‌کرد تا آن‌ها را برای مطالعه ترغیب می‌کرد. فرشته‌های زیادی از این دست که «برای چه این کار را انجام می‌دهی؟»، «وابسته به چه نهادی هستی؟»، «همه کارها درست نشده و فقط مانده است ما کتاب بخوانیم!»، «این کار چه سودی برای تو دارد؟» و... می‌شنید. اما احمد آن قدر رفت و آمد تا مغازه‌دارها و راباور کنند و بدانند کار او فقط یک کتابخانه سیار بدون دریافت هزینه است. می‌پرسم «چرا قشور مغازه‌دار را انتخاب کردید؟» و احمد می‌گوید: همیشه با خودم می‌گفتم کسانی که وقت می‌گذارند و در کتابخانه مطالعه می‌کنند، دغدغه مالی کمتری دارند. خودم قبل از کار در کتابخانه، مغازه داشتم و با اینکه علاقه داشتم، وقت مطالعه کتاب را نداشتم. از طرف دیگر با خودم گفتم

● بااختره در همه ادارات و نهادها،

و کوله‌بر فرهنگی

پیدا می‌شود، اما کسی به فکر مغازه‌دارها نیست

● با گر دوشگر

● در ارتباط هستم.

● رفتار کسبه؛

● نمادی از شهر مشهد

او ادامه می‌دهد: با خودم می‌گفتم شاید مغازه‌دارها به‌دلیل ارتباط مستقیم با مردم، در برخی موارد اعضای کتابخانه‌اش را بیشتر کند، اما اعضای بیشتر مساوی است با اینکه بیشتر وقت بگذارد و کتاب‌های زیادی داشته باشد. احمد اصالتاً تبرچندی همسرم گاهی از اینکه زیاد وقت می‌گذارد، گله می‌کند، اما با کلیت کار مخالف نیست؛ زیرا می‌داند این کار را دوست دارم. با کتاب‌هایی که خودم داشته‌ام و چند جلد کتابی که

● **اوایل احساس می‌کردم بعضی‌ها در رودریا بستنی کتاب را قبول می‌کنند، اما حالا همان آدم‌ها هفته‌ای یک یا ۲ کتاب می‌خوانند**

به دستم رسیده است، الان حدود ۱۰۰ جلد کتاب دارم. فعلاً با این تعداد اعضا، کتاب‌ها کافی است؛ البته گاهی کتاب‌هایی را که می‌خواهند یا مسئولیت خودم از کتابخانه مرکزی امانت می‌گیرم و برایشان می‌برم. قرار بود یک نفر کتاب صوتی هم بفرستد، اما هنوز چیزی به دستم نرسیده است.

● کولبرها در هیاهوی خریدعید

کوله‌سنگین را بر دوش انداخته است تا سراسر اعضای کتابخانه‌اش برود. پاساژ شلوغ است و همه در هیاهو و تکاپوی خریدعید هستند، اما احمد بی‌اعتنا به این هیاهو و ویرترین پرز رنگ و لعاب مغازه‌ها عبور می‌کند و یکی‌یکی سراسر مغازه‌هایی می‌رود که دیگر چشم‌بسته هم نشانی آن‌ها را بلد است؛ از مغازه فروش پوشاک گرفته تا لوازم آرایشی، کفش‌فروشی و... او می‌گوید: هنوز هم گاهی مردم به من می‌گویند «کوله‌هایت سنگین نیست؟ سردت نمی‌شود؟» و من می‌گویم «چرا اسما این کار را دوست دارم و با انجامش به حس خوبی می‌روم». او دقتی دارد که

می‌رود. گاهی ساعت ۶ بعدازظهر برای این کار از خانه بیرون می‌رود و تا برمی‌گردد ساعت از ۱۰ شب هم گذشته است. دوست دارد تعداد اعضای کتابخانه‌اش را بیشتر کند، اما اعضای بیشتر مساوی است با اینکه بیشتر وقت بگذارد و کتاب‌های زیادی داشته باشد. احمد اضافه می‌کند: خوبی می‌روم». او دقتی دارد که در صفحات اول آن اسم، نشانی و تلفن اعضا را نوشته است و به ترتیب شماره، برای آن‌ها صفحه‌ای تعیین کرده است و لیست امانت، تحویل و سفارش کتابشان را در آن یادداشت



عکس سعیده آل ابراهیم

می‌کنند. هر مغازه‌ای که می‌رود، ابتدا صفحه مربوط به فروشنده را باز می‌کنند. اگر کتابی به امانت داده است، آن را تحویل می‌گیرد، در غیر این صورت کتاب‌های جدید را با توجه به سلیقه شخص روبه‌روی مغازه‌دار می‌گذارد.

● کاری که برای فروشنده راحت شد اولین مغازه‌ای که به اتفاق احمد واردش می‌شویم، مغازه فروش پوشاک بچه است. خانم رضایی یادش است که از تابستان مشرتی این کتابخانه سیار شده و اوقات بیکاری را در مغازه، کتاب می‌خواند. او می‌گوید: من زیاد کتاب نمی‌خواندم، اما از زمانی که آقای حسینی این کتاب‌ها را می‌آورد، می‌خوانم و کار برای ما فروشنده راحت شده است. من از صبح تا شب سر کار هستم و وقتش را ندارم که از کتابخانه کتاب بگیرم. وقتی هم که به منزل می‌روم، آن قدر خسته هستم که حوصله‌ای برای کتاب خواندن ندارم. مشتری بعدی، خانم وحیدی، فروشنده یک مغازه پوشاک بزرگ سالان است. به گفته آقای حسینی، در میان اعضا، از آن کتاب‌خوان‌های حرفه‌ای است که شاید هفته‌ای یک یا ۲ کتاب بخواند و حتی به او بسرای کتابخانه سیار راهکار و انگیزه نیز می‌دهد. خانم وحیدی میان قیمت‌دادن و چک

می‌کنند. هر مغازه‌ای که می‌رود، ابتدا صفحه مربوط به فروشنده را باز می‌کنند. اگر کتابی به امانت داده است، آن را تحویل می‌گیرد، در غیر این صورت کتاب‌های جدید را با توجه به سلیقه شخص روبه‌روی مغازه‌دار می‌گذارد.

● مقصد بعدی، گذرهای کارگری احمد، زمانی که توزیع داوطلبانه کتاب را با عنوان کولبری فرهنگی آغاز کرد، فکرش را هم نمی‌کرد که روزی این کار به این اندازه مورد استقبال قرار بگیرد؛ مانند همین حالا که هر بار اعضای کتابخانه سیار به او سفارش کتاب می‌دهند، جانسی دوباره در او پیدا می‌شود، انگار که مژدز حاشتا را گرفته باشد. اما بیشترین دغدغه‌اش تعداد کتاب‌هاست که باید بیشتر شود تا بتوان کار را گسترش داد. البته احمد به همین اندازه قانع نشده است و برای گسترش کتابخانه سیارش برنامه‌هایی دارد؛ مقصد بعدی‌اش گذرهای معروفی است که کارگران ساعت‌ها در آنجا منتظر کار می‌مانند.

جزئیات امدادرسانی به ۱۴ استان در حوادث جوی



اخیر کوبه

معاون عملیات سازمان امدادونجات از امدادرسانی به ۱۴ استان در حوادث جوی روزهای اخیر خبر داد. به گزارش فارس، حامد سجادی با اشاره به حوادث جوی سه روز اخیر اظهار کرد: ۱۴ استان شامل اصفهان، البرز، تهران، خراسان جنوبی و شمالی، سمنان، فارس، قم، کرمان، کرمانشاه، گلستان، گیلان، لرستان و یزد تحت تأثیر این حوادث قرار گرفته‌اند و در این راستا به ۱۹ شهر و روستا، به یک محور کوهستانی و به ۳۶۹ نفر امدادرسانی شد، ضمن اینکه ۴۶ نفر اسکان اضطراری داده شدند و ۱۳۰ نفر به مناطق امن انتقال یافتند و از ۲۴ واحد منزل مسکونی تخلیه آب صورت گرفت.

ثبت نام نقل و انتقال فرهنگیان از اول اردیبهشت

شبه‌نامه نقل و انتقال نیروهای رسمی، رسمی‌آزمایشی و پیمانی شاغل در واحدهای آموزشی متقاضی انتقال دائم و موقت برون و درون‌استانی برای سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ ابلاغ شد.

به گزارش مهر، براساس این بخشنامه، فرایند نقل و انتقال در بازه زمانی اول اردیبهشت تا ۱۵ خرداد ۹۹ براساس مصوبات کارگروه توسعه مدیریت استان انجام می‌شود و مبنای انتقال در درون استان (پس از محاسبه ورود و خروج نیرو اعم از بازنستگی، ورودی‌های دانشگاه فرهنگیان و...)، ضرایب اشتغال نیروی انسانی و شدت نیاز است.

در ضوابط و مقررات انتقال موقت برون‌استانی نیز آمده است: دارا بودن حداقل دو سال سابقه خدمت آموزشی تمام‌وقت در آموزش و پرورش تا تاریخ ۳۱ شهریور ۹۹ به موجب حکم کارگزینی برای مستخدمین رسمی، رسمی‌آزمایشی و پیمانی، الزامی است.

تغییر دفتر کار دادستان‌ها و روسای دادگستری‌ها

با ابلاغ رئیس قوه قضائیه مکان دفتر کار روسای دادگستری‌ها و دادستان‌ها تغییر کرد. به گزارش تسنیم، هدف از بازدیدهای میدانی حجت‌الاسلام رئیسی، رئیس قوه قضائیه، رصد و تحلیل میدانی برای تصمیم بهتر و کارآمدتر است و این الگو در حال تسری به استان‌هاست. این بازدیدها، اهداف دیگری مانند افزایش حس نظارت‌پذیری و پاسخ‌گویی مراجع قضایی را هم مدنظر دارد. حالا در دوران تحول در استان‌ها هم مقام‌های قضایی باید در کنار مردم باشند؛ یعنی همه شعب، دفتر کار مسئول قضایی است. آمار هم مؤید برادشته شدن گام‌های جدی است و فقط طی ۱۱ ماه سال ۹۸ بازدید مقام‌های قضایی استانی از حوزه‌های قضایی، ۶۲ درصد نسبت به سال گذشته رشد داشته است.

جزئیات آموزش «اتباع خارجی» در شرایط کرونا

رئیس مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور گفت: اتباع خارجی در ایران در شرایط کرونا، از امکانات و فرآیندهای آموزش از راه دور مشابه دانش‌آموزان ایرانی برخوردار هستند.



به گزارش فارس، غلامرضا کریمی گفت: وزارت آموزش و پرورش میزبان حدود ۵۶۰ هزار دانش‌آموز پناهنده و تبعه خارجی است. وی افزود: بخشی از آن‌ها که در مدارس وابسته به سفارتخانه‌های خارجی یا مدارس ویژه اتباع خارجی مشغول به تحصیل هستند، از خدمات آموزشی و برنامه‌های جبرانی نظام آموزشی خود بهره‌مندند و دانش‌آموزان خارجی مشغول به تحصیل در مدارس ایرانی نیز همانند سایر دانش‌آموزان کشور از خدمات آموزشی و تربیتی برابر برخوردار هستند؛ به‌ویژه به‌دلیل آشنایی بسیار خوب آن‌ها با زبان فارسی، امکان بهره‌مندی حداکثری از برنامه‌های تلویزیونی (مدرسه ملی) و محتوای آموزش‌های مجازی و الکترونیکی فراهم شده است.

شرایط برقراری «حقوق» برای والدین بیمه‌شدگان

قائم‌مقام سابق سازمان تأمین اجتماعی، درباره شرایط برقراری «حقوق» برای پدر و مادر بیمه‌شدگان توضیحاتی داد. به گزارش ایرنا، محمدحسن زدا در پاسخ به اینکه اگر بیمه‌شده‌ای در اثر حادثه یا بیماری فوت کرد، آیا حقوقی برای پدر و مادر وی برقرار می‌شود، گفت: شرط برقراری حقوق برای پدر و مادر بیمه‌شده این است که بیمه‌شده در زمان حیات، درخواست داده باشد که پدر و مادرش به‌دلیل آنکه منبع مالی و درآمدی ندارند و هزینه‌های زندگی آن‌ها را بیمه‌شده تأمین می‌کند، تحت کفالت وی قرار بگیرند. زدا ادامه داد: بر اساس قوانین و مقررات تأمین اجتماعی، برای تحت پوشش قرار گرفتن والدین و برخوردار شدن آن‌ها از خدمات این سازمان، باید سن پدر ۶۰ سال تمام و سن مادر ۵۵ سال تمام باشد.



قائم‌مقام سابق سازمان تأمین اجتماعی، درباره شرایط برقراری «حقوق» برای پدر و مادر بیمه‌شدگان توضیحاتی داد. به گزارش ایرنا، محمدحسن زدا در پاسخ به اینکه اگر بیمه‌شده‌ای در اثر حادثه یا بیماری فوت کرد، آیا حقوقی برای پدر و مادر وی برقرار می‌شود، گفت: شرط برقراری حقوق برای پدر و مادر بیمه‌شده این است که بیمه‌شده در زمان حیات، درخواست داده باشد که پدر و مادرش به‌دلیل آنکه منبع مالی و درآمدی ندارند و هزینه‌های زندگی آن‌ها را بیمه‌شده تأمین می‌کند، تحت کفالت وی قرار بگیرند. زدا ادامه داد: بر اساس قوانین و مقررات تأمین اجتماعی، برای تحت پوشش قرار گرفتن والدین و برخوردار شدن آن‌ها از خدمات این سازمان، باید سن پدر ۶۰ سال تمام و سن مادر ۵۵ سال تمام باشد.

توزیع و تولید داروی «رانیتیدین» متوقف شد

رانیتیدین دارویی است که باعث کاهش میزان اسید در افراد مبتلا به مشکلات گوارشی می‌شود. وجود ماده‌ای به نام NDMA در این دارو باعث ریکال آن در آمریکا شد و اکنون سازمان غذا و داروی ایران نیز دستور توقف تولید و توزیع این دارو را صادر کرده است.

به گزارش تسنیم، رانیتیدین دارویی است که باعث کاهش سوزش سر دل در افراد مبتلا به مشکلات گوارشی می‌شود و برای درمان زخم معده و روده و رفلاکس معده استفاده می‌شود. سال گذشته احتمال وجود ترکیب به نام NDMA در داروی رانیتیدین با نام تجاری zantac مطرح شد. این ماده، یک لاینده زیست‌محیطی است که سازمان بهداشت جهانی آن را ماده‌ای سرطان‌زا می‌داند و دریافت مقادیر بیشتر از ۹۶ نانوگرم از این ماده در روز، می‌تواند با بروز مشکلاتی همراه باشد. NDMA ممکن است در آب و مواد غذایی موجود باشد.



سعیده آل ابراهیم